



دیار آشنا/شماره

بادداشنت‌های چند زائر

به کوشش: علی مهر

گل‌ها برای آمدنت سبز می‌شوند...

تو همسان چشمه‌ای زلال و مانند نسیم، لطیفی. تو روح
بزرگوارت مثل دریا وسیع است. قسم به خون سرخ
حسین علیه‌السلام، قسم به خورشید و ماه و زمین و
سوگند به اشک‌های آسمان، دوستت دارم.

فاطمه خوش‌سخن عطا

تا کی تو هم‌چنان در غیبت، ما این‌چنین در هجران؟ ای
رایت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر دوش! ای شمشیر
علی علیه‌السلام در کنار! ای عصای موسی در دست! ای
خاتم سلیمان در انگشت! سخت است همگان را ببینم و
تو را نبینم...

زهرا محمدی نیا

دوست دارم باز برایت بنویسم، اما یادم آمد که باید به
گلدان‌ها آب بدهم. مادرم گفته است اگر به شمعدانی‌ها
آب بدهم، آن‌ها برای آمدن تو دعا می‌کنند. راست
می‌گوید، از وقتی مرتب آب‌شان می‌دهم، دست‌های
سبزشان را رو به آسمان گرفته‌اند.

رضا پایایی

گرم است آفتاب قیامت ولیک نیست
سوزنده‌تر ز سایه دیوار انتظار
صائب تبریزی